

بلاای طبیعی و افراد آسیب پذیر

گردآوری و ترجمه: فاطمه محمدی_مددکار اجتماعی

www.iraniansocialworkers.ir

چه کسانی بیشتر در معرض خطر هستند؟

بلاای خنثی نیستند و شدت تاثیرات مخاطرات طبیعی و تغییرات اقلیمی بر افراد، اقتصادها و جوامع تنها پیامد در معرض یک خطر فیزیکی قرار گرفتن نیستند بلکه بوسیله عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل گرفتند که آسیب-پذیری را سبب می‌شوند (ریبوت، ۲۰۱۰؛ آرنولد و برتون، ۲۰۱۱).

افراد فقیر و در حاشیه به دلایل مختلف شدیدتر تحت تاثیر مخاطرات طبیعی و تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرند. **نخست**، آنها با زندگی کردن در مناطق حاشیه‌ای و ناامن (برای مثال، دشتهای سیلابی، کناره رودخانه‌ها یا سرایشی‌های تند) اغلب شدیدتر با مخاطرات روبرو می‌شوند. آسیب-پذیری آنها بیشتر است چون بیشتر احتمال دارد که در خانه‌های با استاندارد پایین زندگی کنند و حقوق مالکیت زمین نا مشخص دارند که انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری برای کاهش ریسک فراهم نمی‌کند. بعلاوه، معیشت آنها بیشتر در برابر تاثیرات مخاطرات و تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر است زیرا افراد فقیر روستایی به شدت به کشاورزی یا منابع طبیعی برای معیشت خود وابسته هستند.

دوم، خانواده‌های فقیر و در حاشیه کمتر می‌توانند تاثیرات مخاطرات را وقتی اتفاق می‌افتند جذب کنند و از آن بهبود یابند زیرا با پس‌انداز اندک و محدود یا با عدم

1 . Ribot

2 . Arnold and Burton

دسترسی به اعتبار رسمی، افراد فقیر بر طیفی از مکانیسمهای مقابله‌ای غیر بهینه پس از فاجعه متکی هستند. برای مثال، آنها ممکن است دارایی‌های سودبخش مانند تجهیزات مزرعه یا احشام را بفروشند، وامهای غیر مفید بگیرند و بچه‌ها را از مدرسه بیرون بیاوند تا شهریه مدرسه آنها را پس‌انداز کنند که همه اینها آنها را در یک چرخه فقر قفل خواهد کرد (شفرد و همکاران، ۲۰۱۳؛ بنسون و همکاران، ۲۰۱۳). برای خانواده‌هایی که درست بالای خط فقر زندگی می‌کنند، بلایا می‌تواند آنها را به فقر و آسیب‌پذیری بیشتر سوق دهد.

در نهایت، پس از وقوع یک فاجعه، جوامع فقیر و در حاشیه می‌توانند از پیامدهای تلاشهای بازسازی و کمک نابرابر رنج ببرند. فقرا همچنین با موانعی برای دستیابی به حقوقی مانند کمکهای دولت یا کمکهای بازیابی روبرو هستند. بسیاری از گروههای کمک و بازسازی پس از فاجعه از اینکه گروههای آسیب‌پذیر خاص به درستی شناسایی شوند و به آنها رسیدگی شود، علیرغم شواهد قابل توجه در تأثیرات مضر عدم انجام این کار، اطمینان حاصل نمی‌کنند. برنامه‌های حقوقی بطور سنتی به مردان، مستاجران ثبت شده، صاحبان حساب‌های بانکی و سران خانوارها بیش از زنان توجه می‌کنند. تصمیماتی که فاقد درک لازم در مورد مسائل ساختاری اساسی نابرابری، فقر مزمن و یا آسیب‌پذیری هستند، می‌تواند موجب شود که فقرا و حاشیه‌نشینان در شرایط بدتری در نتیجه فرایند بازسازی قرار بگیرند (آرنولد و برتون، ۲۰۱۱).

برای همه این دلایل، **بلایای طبیعی و فقر یک رابطه همزیستی** دارند. فقر باعث می‌شود افراد نسبت به عوارض ناگوار بلایا بیشتر آسیب‌پذیر شوند و بلایای طبیعی فقر بیشتری را ایجاد می‌کنند. در واقع، بلایای طبیعی دلیل

اصلی فقر مردم در کشورهای در حال توسعه است. مطالعه‌ای تطبیقی که بر روی حرکت بسوی فقر و خارج از فقر که در ۱۵ کشور در حال توسعه انجام شد و شامل ۹۰۰۰ مصاحبه خانوادگی بود، نشان داد که بلایای طبیعی دومین دلیل مهم برای فقیر شدن مردم بوده است (نارایان^۳ و همکاران، ۲۰۰۹).

مهم است که توجه داشته باشیم که آسیب پذیری در برابر فاجعه و مخاطرات اقلیمی به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی، نهادی و سیاسی است که بر حقوق حاکمند (شفرد و همکاران، ۲۰۱۳). در میان فقرا، گروه های خاصی مانند کودکان، معلولان، افراد مسن، گروه های بومی، مستاجران بی زمین، کارگران مهاجر و زنان مخصوصاً در برابر بلایا آسیب پذیر هستند. علل ریشه ای آسیب پذیری آنها ترکیبی از بافت جغرافیایی آنها؛ وضعیت مالی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی آنها؛ و فقدان یا محدود بودن دسترسی به خدمات عمومی مانند مراقبت های بهداشتی و آموزش، اطلاعات، تصمیم گیری و عدالت است.

به طور خاص، دسترسی کلی کمتر زنان به دارایی ها، خدمات عمومی و صدای سیاسی اغلب باعث می شود که آنها از بلایای طبیعی بیشتر از مردان آسیب ببینند. زنان بیشتر از مردان معمولاً در بلایای طبیعی می میرند، اغلب به دلیل محدودیت های فرهنگی و رفتاری در زمینه تحرک زنان (به عنوان مثال قانونهای پوشش که نیازمند لباس هایی است که حرکت در آنها دشوار است) و نقش ها و مسئولیت های واگذار شده به لحاظ اجتماعی (مانند مراقبت از کودکان، سالمندان، یا اعضای خانواده مریض). زنان اغلب در بخش غیررسمی استخدام می شوند که در آن فقدان مسکن به معنی از دست دادن محل کار، ابزار، لوازم و بازار است. به عنوان

³. Narayan

مثال، هنگامی که زمین لرزه ۲۰۱۰ در هائیتی رخ داد، بخش غیررسمی ۸۵ درصد از کل اقتصاد را تشکیل می‌داد و بیش از ۷۵ درصد از شرکت‌کنندگان در آن زنان بودند (بانک جهانی، ۲۰۱۰).

بیشتر بار مراقبت از کودکان، سالمندان و معلولین، و همچنین کارهای خانه مانند تهیه آب و هیزم بر دوش زنان است. فاجعه‌ها سختی این کار را افزایش می‌دهند و شبکه‌های غیر رسمی میان همسایگان و خانواده‌های گسترده، مکانیسم مقابله‌ای مهم برای زنان در زمان بحران، اغلب از بین می‌رود (IASC، ۲۰۰۶). در کشورهایی که زنان دارای حقوق مالکیت یا حقوق وراثت، ترتیبات ازدواج، سیستم‌های بانکی و الگوهای اجتماعی نیستند، وابستگی آنان به پدران، شوهران و یا پسران را تقویت می‌کند و بیشتر دسترسی آنها به منابع بازیابی را محدود می‌کند (اندرسون، ۱۹۹۴).

کودکان نیز نسبت به اثرات فاجعه آسیب پذیر هستند. مرگ و میر و میزان تلفات بالای کودکان در طی و پس از سونامی اقیانوس هند در سال ۲۰۰۴ بویژه مشهود بود، که در آن بیشترین تلفات مربوط به زنان و افراد زیر ۱۵ سال بود (تلفورده^۴ و همکاران، ۲۰۰۶). هنگامی که تحصیلات متوقف می‌شود و خانواده‌ها منابع درآمد خود را از دست می‌دهند، خطر افزایش کار کودکان، ازدواج‌های اجباری و قاچاق انسان افزایش می‌یابد. اگر کودکان یتیم شده یا از خانواده‌هایشان جدا شوند، کودکان در معرض خطر استثمار، سوء استفاده و آدم‌ربایی هستند.

تقریباً ۱۵ درصد از جمعیت جهان و یا تقریباً ۱ میلیارد نفر، دارای معلولیت هستند. موانع که افراد مبتلا به معلولیت با آن روبرو هستند، انواع مختلفی از جمله جسمی،

4. Telford

قانونگذاری، اجتماعی و اقتصادی دارد. به طور متوسط، آنها به احتمال زیاد در فقر زندگی می‌کنند، اغلب تحصیلات بدی دارند و از سلامت بی‌ثباتی رنج می‌برند. آنها فرصت‌های شغلی کمتری دارند. در کشورهای فقیر، خدمات ناکافی است و بودجه مناسبی ندارند. تجربه نشان می‌دهد افراد دارای معلولیت، بیشتر احتمال دارد در طی تخلیه در بلایا جا بمانند یا ممکن است دسترسی محدودی به پناهگاه‌های اضطراری و سیستم‌های حمل و نقل داشته باشند. در صورت کم بودن منابع، امکان تبعیض بر اساس معلولیت وجود دارد. پناهجویان، آوارگان داخلی و کارگران مهاجر به ویژه نسبت به اثرات فاجعه آسیب‌پذیر هستند. چه آنهایی که از مرزهای بین‌المللی عبور کرده یا در کشورهای خود آواره شده باشند، این جمعیت خود را از معیشت و اساسی‌ترین خدماتشان محروم می‌یابند. آنها ممکن است بخاطر ترس از دستگیری یا بازگرداندن اجباری به کشورشان تمایلی به درخواست کمک نداشته باشند. آنها همچنین ممکن است با مشکلات تغییر اسناد رسمی برای ایجاد دوباره هویت‌های قانونی خود مواجه شوند. کشورها و جوامع که آنها را میزبانی می‌کنند اغلب منابع کافی برای ادامه کمک به آنها را ندارند (UNHCR، 2009).

مردم بومی حدود ۴,۵ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما حدود ۱۰ درصد از فقرای جهان را تشکیل می‌دهند که تقریباً ۸۰ درصد آنها در آسیا زندگی می‌کنند. در حالی که همه آنها جوامع متمایزی هستند و آسیب‌پذیری‌های مختلفی دارند، یک ویژگی مشترک آنها این است که معیشت و فرهنگ‌های آنها به شدت وابسته به سیستم‌های طبیعی و منابع طبیعی است. توانایی آنها در پیش‌بینی و تفسیر پدیده‌های طبیعی، از جمله شرایط آب و هوایی، برای زنده ماندن و رفاه آنها حیاتی است و همچنین در توسعه شیوه

های فرهنگی، ساختار اجتماعی، اعتماد و اقتدار آنها مفید بوده است (کرونیک و ورنر؛ ۲۰۱۰). هویت ها و فرهنگ آنها به طور جدایی ناپذیر با زمین هایی که آنها در آن زندگی می کنند و منابع طبیعی که به آنها وابسته هستند مرتبط است. بنابراین خطر جابجایی در اثر یک فاجعه، تهدیدی برای هر دوی آن است.

اگر چه سالمندان یک گروه بسیار متنوعی هستند، بسیاری از آنها به دلایل مختلفی از شرایط فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی گرفته تا نوع و شدت رویداد مخاطره آمیز و ظرفیت کشور آسیب دیده برای مدیریت اثرات آن به ویژه آسیب پذیر هستند. ناتوانی شناختی، بصری یا شنوایی می تواند درک و پاسخ مناسب سالمندان را محدود کند. به همین ترتیب، تحرک محدود می تواند فرار و محافظت از خود را برای آنها مشکل تر سازد (بنکس، ۲۰۱۲). وضعیت سلامتی مزمن می تواند به سرعت پس از یک فاجعه بدتر شود. عواملی مانند کمبود غذا و آب، گرما یا سرمای شدید و وقفه در رژیم های دارویی می تواند شرایط اساسی را بدتر سازد و خطر بیماری و مرگ را افزایش دهد (آلدریچ و بنسون، ۲۰۰۸). فقر و^۷ انزوای اجتماعی اغلب آن را غیر ممکن می سازد برای سالمندان که به درستی برای بلایای طبیعی آماده شوند و پس از وقوع آنها، تخلیه، انتقال و بازیابی شوند (بنکس، ۲۰۱۲).

چگونه خطر تغییر می کند؟

گزارش بانک جهانی ۲۰۱۲ با عنوان **گرما را کم کنید: چرا باید از یک جهان ۴ درجه گرمتر اجتناب شود** بررسی کرد که رشد دمای جهانی ۲ درجه سانتی گراد و ۴ درجه سانتی-گراد در مقایسه با سطوح قبل از صنعتی در این قرن می

⁵ . Kronik and Verner

⁶ . Banks

⁷ . Aldrich and Benson

تواند چه کاری با توسعه انجام دهد. این گزارش تاکید می‌کند که در حالی که هیچ کشوری از عواقب آن در امان نیست، اثرات تغییرات اقلیمی نابرابر توزیع خواهد شد، که بسیاری از فقیرترین مناطق جهان به شدت تحت تاثیر قرار خواهند گرفت.

بیشترین خطر در کشورهای منطقه گرمسیری و نیمه گرمسیری وجود دارد. انتظار می‌رود که سطح دریا ۱۵ تا ۲۰ درصد بالاتر از خط ساحلی در ارتفاعات بالاتر افزایش یابد و درجه حرارت بالا به عنوان یک تهدید جدی برای کشاورزی و اکوسیستم‌ها باشد. در واقع، درجه حرارت بالاتر در دهه های اخیر، رشد اقتصادی کشورهای فقیر را تضعیف کرده است. اثرات آنها وسیع است، کاهش تولیدات کشاورزی و صنعتی که منجر به افزایش بی ثباتی سیاسی می‌شود. قرار گرفتن در معرض آسیب پذیری آب و هوایی با دسترسی محدود به شبکه های ایمنی اجتماعی، زمین و کار، بخش های فقیر و آسیب پذیر جامعه را در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد (بانک جهانی، ۲۰۱۲a).

یک گزارش بانک جهانی پس از تمرکز بر مناطق جنوب صحرای آفریقا، جنوب شرقی آسیا و جنوب آسیا تحت عنوان «کم کردن گرما: شدت شرایط آب و هوایی، اثرات منطقه ای و موردی برای تاب‌آوری»، اثرات احتمالی گرم شدن بر حوزه های مهم مانند تولید کشاورزی، منابع آب، اکوسیستم های ساحلی و شهرها را با جزئیات بیشتر بررسی می‌کند (بانک جهانی، ۲۰۱۳). پیش بینی می‌کند که افزایش دمای ۲ درجه سانتیگراد که در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده امکان پذیر است منجر به کمبود مواد غذایی، امواج گرمایی بی سابقه و طوفانهای موسمی قوی تر خواهد شد. این گزارش خاطرنشان ساخت که تاثیر مهمی بر آب و هوا و توسعه در حال حاضر احساس می‌شود و انتظار می‌رود که تهدیدات رو به افزایش و

هم افزایی گرمایش جهانی پیامدهای شدیدتری برای فقیرترین کشورهای داشته باشند (بانک جهانی، ۲۰۱۳a).

تأثیر بر سیستم های جسمی، بیولوژیکی و انسانی در حال حاضر آشکار است. به عنوان مثال، افزایش دما باعث تغییرات خواص فیزیکی و شیمیایی اقیانوس ها شده است که بر اکوسیستم های ساحلی و دریایی تأثیر می‌گذارد. درجه حرارت بالای مداوم بر تولید محصول تأثیر می‌گذارد، به طور کلی کاهش می‌یابد و بعضی اوقات آنها را در عرض های بالاتر افزایش می‌دهد. اثرات مشابهی در ماهیگیری وجود دارد، جایی که میزان ماهی در برخی مناطق افزایش یافته است، اما در برخی مناطق دیگر کاهش یافته است. برخی از جوامع بومی الگوهای مهاجرت فصلی و شکار را برای سازگاری با این تغییرات تغییر داده اند (IPCC، 2014).

همانطور که در گزارش **ایجاد تاب‌آوری: یکپارچگی خطر اقلیمی و فاجعه در توسعه** بانک جهانی نشان داده شده است، انتظار می‌رود که اثرات هر دو برگشت کننده و ناهمگن باشد و بنابراین به افزایش نرخ نابرابری اجتماعی و اقتصادی کمک کند. این گزارش به مطالعه‌ی انجام شده در سال ۲۰۰۹ توسط دانشگاه کاتولیک مسیحی ریو دو ژانیرو در مورد تأثیرات تغییرات اقلیمی در مناطق مختلف برزیل اشاره دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که تولیدات کشاورزی در مناطق فقیرتر و به ویژه، شهرداری های فقیر تا سال ۲۰۴۰ به میزان ۴۰ درصد کاهش می‌یابد درحالی‌که شهرداری های ثروتمندتر ممکن است از اثرات تغییرات آب و هوایی بهره مند شوند. گزارش بانک جهانی همچنین نتایج مطالعات انجام شده توسط احمد و همکاران را در سال ۲۰۰۹ در مورد تأثیرات تغییرات آب و هوایی در مناطق شهری و روستایی ارائه می‌دهد. این مطالعه نشان می‌دهد که در حالی که مناطق روستایی دارای بیشترین تعداد فقرا هستند، فقیران

در مناطق شهری به علت آسیب پذیری آنها در برابر افزایش قیمت مواد غذایی نسبتاً بیشتر رنج می‌برند. این مطالعه ۱۶ درصد افزایش فقر در مناطق شهری را در مقایسه با افزایش ۱۲ درصد افزایش در میان جمعیت روستایی تخمین می‌زند (بانک جهانی، ۲۰۱۳b).

گزارش ۲۰۱۳ موسسه توسعه خارجی (ODI) *جغرافیای فقر، بلایای طبیعی و شدت آب و هوایی در سال ۲۰۳۰* به طور خاص بر جاهایی که آسیب پذیرترین افراد نسبت به فاجعه در سال ۲۰۳۰ زندگی می‌کنند تمرکز دارد و همچنین بر ارتباط بین فاجعه و فقر تأکید دارد. بر اساس این گزارش، بیش از ۳۲۵ میلیون نفر به شدت فقیر در ۴۹ کشور در معرض خطر در سال ۲۰۳۰ زندگی می‌کنند که بیشتر آنها در جنوب آسیا و کشورهای جنوب صحرای آفریقا هستند. از این ۴۹ کشور، ۱۱ کشور (بنگلادش، جمهوری دموکراتیک کنگو، اتیوپی، کنیا، ماداگاسکار، نپال، نیجریه، پاکستان، سودان جنوبی، سودان و اوگاندا) شمار بالای افراد فقیر را خواهند داشت. این افراد فقیر با تهدیدات روزافزون خطرات مواجه خواهند شد و ظرفیت کافی برای مقاومت در برابر اثرات این خطرات بر زندگی و معیشتشان را نخواهند داشت. ۱۰ کشور دیگر (بنین، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، گامبیا، گینه بیسائو، هائیتی، جمهوری دموکراتیک خلق کره، لیبریا، مالی و زیمبابوه) نسبت بالایی از مردم فقیر را خواهند داشت. آنها نیز با اشکال بسیاری از خطرات مواجه هستند و توانایی پاسخ دادن به آنها را ندارند (شپرد و همکاران، ۲۰۱۳).

این گزارش بیان می‌کند که هدف تعیین شده توسط جامعه بین‌المللی برای از بین بردن فقر شدید نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن تاثیرات بلایا و تغییرات آب و هوایی به دست آید. آن بعلاوه تلاش‌های مدیریت ریسک فاجعه شامل

"استراتژی های واضح برای کاهش فقر و ایجاد دارایی هایی برای افراد آسیب دیده از بلایای طبیعی، جذب افراد در برنامه های معیشت طولانی مدت" را توصیه می‌کند.

چه کاری باید انجام شود؟

مهم است که دولت های ملی، رهبری را در اولویت دادن به کاهش خطر فاجعه نشان دهند و پیشرفت های زیادی در این دوره ۱۰ ساله HFA تا پایان صورت بگیرد. با این حال، برای پیشرفت ملی برای رسیدن به خط مقدم، خانواده های فقیر و جوامع باید توانمند شوند و باید حمایت شوند تا ریسک فاجعه و مخاطرات آب و هوایی را مدیریت کنند. مطالعات عمده نشان می دهند که شکاف مداوم بین سیاست های ملی و اقدامات محلی مربوط به مدیریت ریسک فاجعه وجود دارد و نشان می دهند که زمانی که یک دولت حمایت کننده برای همکاری با جوامع و سازمان های محلی آماده است، سیاست های کاهش خطر بیشتر احتمال دارد در سطح محلی تاثیر گذار باشد.

گزارش جهانی ارزیابی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۹ درباره کاهش خطرات ناشی از بحران (GAR09) نیاز به اتخاذ رویکردی را شناسایی می‌کند که از ابتکارات کاهش خطرات فاجعه محلی حمایت کند. این گزارش استدلال می‌کند که ارتقاء فرهنگ برنامه ریزی و اجرای کاهش خطر فاجعه که بر مشارکت های دولتی و جامعه مدنی متکی است، می تواند به طور چشمگیری هزینه های کاهش خطر را کاهش دهد، پذیرش محلی را تامین کند و سرمایه اجتماعی ایجاد کند. به همین ترتیب GAR11 ادعا می‌کند که در جایی که جوامع، سازمان های جامعه مدنی و دولت ها مشارکت می‌کنند، میزان تلاش های مدیریت ریسک فاجعه بطور قابل توجهی می‌تواند افزایش یابد. یافته های بیشتر نشان می‌دهد که ارائه منابع در

سطح محلی برای حمایت از استراتژی های مبتنی بر جامعه می-تواند بخشی موثری از سرمایه گذاری دراز مدت برای تقویت تابآوری فاجعه و شرایط اقلیمی باشد (موزر و همکاران، ۲۰۱۰).

برای تقویت تابآوری فاجعه و اقلیم چه باید کرد؟ اثر بانک جهانی (بنسون و همکاران، ۲۰۱۲، آرنولد و همکاران، ۲۰۱۴) تابآوری را به عنوان توانایی مقاومت در برابر، بازیابی از، و سازماندهی مجدد در پاسخ به بحران تعریف می‌کند به طوری که همه اعضای جامعه بتوانند پیشرفت کنند و یا توانایی رشد و پیشرفت را حفظ کنند. همان اثر چندین حوزه مهم را برای اقدام مشخص می‌کند:

- حمایت از رویکردهای مبتنی بر جامعه که جوامع را توانمند می‌سازد تا دستورالعمل های کاهش خطر اقلیمی را برای حمایت از اهداف توسعه خود بکار گیرند.
- ترویج مشارکت شهروندی به عنوان یک شکلی از بازخورد تنظیمی، مثلاً از طریق ایجاد ظرفیت در رویکردهای مشارکتی برای مدیریت ریسک، یا اقدامات برای افزایش پاسخگویی اجتماعی در استفاده از امور مالی دولتی برای مدیریت بحران و مدیریت ریسک.
- حمایت از جوامع برای متنوع کردن گزینه های معیشتی و عقب ماندگی، از قبیل بازگشت به معیشتی که کمتر حساس به اقلیم و یا سایر اشکال خطر است.
- درک ابعاد جنسیتی بلایا و توانمند سازی زنان به عنوان رهبران تابآوری.

Reference : GFDRR

Authors: Margaret Arnold and Sergio de Cosmo

www.iraniansocialworkers.ir